

نقش اخلاق در تبلیغ دین

این نوشتار، نخست بحثی کوتاه دربارهٔ واژگان دین، اسلام و تبلیغ کرده است، سپس دربارهٔ مبلّغ و شرائط تبلیغ به بحث و کنکاش پرداخته و برای روشن شدن نقش اخلاق در تبلیغ دین، مبلّغ را در سه جبهه معرفی کرده است: یکی در جبههٔ عمومی، صرف‌نظر از دین و آیین مخاطبان. و دیگری در جبههٔ خودی‌ها و سومی در جبههٔ غیر خودی‌ها. حُسن ختام آن بررسی مسألهٔ نُصح و خیرخواهی و بشردوستی است.

طرح مسأله

ما در اینجا با سه واژه روبه‌رویم:

۱. دین دین به معنای اعم، شامل هر کیش و آئینی است که انسان را به نحوی با عالم غیب ارتباط می‌دهد و به گونه‌ای او را به پرستش و کرنش وامی‌دارد. در قرآن کریم، پیامبرگرامی اسلام ﷺ، مأمور شده است که به کافران بگوید: **لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ^(۱)**: شما را دینی است و مرا دینی. در آیهٔ دیگر می‌فرماید:

۱. کافرون (۱۰۹) آیهٔ ۶.

نقش اخلاق در تبلیغ دین

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ...^(۱): هر کس دینی غیر از اسلام بپذیرد، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود....

از این دو آیه استفاده می‌شود که دین معنای عامی دارد: هم شامل می‌شود دین اسلام و دین پیامبر را و هم ادیان دیگر را.

در یک کلمه می‌توان گفت: مسلم مؤمن کسی است که علاوه بر اقرار به شهادتین، اهل ولایت هم باشد. یعنی امامت و ولایت جانشینان معصوم پیامبر خدا را تصدیق کند و قول و فعل و تقریر آنها را حجت بداند.

قرآن کریم هنگامی که از فطرت الهی انسان سخن می‌گوید، می‌فرماید:...ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ...^(۲). این همان دین پایدار است....

از این آیه استفاده می‌شود که دین یا پایدار است یا غیر پایدار، آنچه در فطرت پاک انسان ریشه دوانیده است، همان دینی است که از قوام و پایداری و دوام برخوردار است و هرگز دستخوش زوال نمی‌شود.

در آیه دیگر می‌فرماید: أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ...^(۳): آگاه باشید که دین خالص از آن خداست....

و به همین جهت است که درباره اهل کتاب -که دستخوش تفرقه شده‌اند-، می‌گوید:

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ...^(۴): آنها

مأمور نشده بودند مگر برای این که خدای را پرستش کنند؛ درحالی که دین را برای او خالص کرده‌اند....

از این دو آیه استفاده می‌شود که خداپرستان بر دو قسمند: آنهایی که به دین

۱. آل عمران (۳) آیه ۸۵.

۲. روم (۳۰) آیه ۳۰.

۳. زمر (۳۹) آیه ۳.

۴. بینه (۹۸) آیه ۵.

خالص روی آورده و مخلص شده‌اند و آنهایی که چنین نیستند.

و سرانجام در آیه دیگری فرموده است:

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...^(۱): دین در نزد خدا همان اسلام است....

از این آیه هم استفاده می‌شود که دینی که نزد خدا مقبول است، اسلام است.

پس دینی که غیر از اسلام باشد، مقبول خدای متعال نیست.

۲. اسلام می‌توان گفت: اسلام در دو معنی استعمال شده است: یکی معنای اعم که شامل می‌شود همه ادیان الهی را. این معنای اعم، عبارت است از تسلیم بودن در برابر خدای متعال و اراده تکوینی و تشریعی او.

حضرت یعقوب در بستر مرگ به فرزندان خود می‌گوید:

...فلا تموتنَّ إلاَّ و أنتم مُسلمون^(۲):...مبادا جز در حال اسلام (تسلیم در برابر

خداوند) بمیرید.

حضرت سلیمان به ملکه سبا می‌نویسد: أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ^(۳) بر

من برتری مجوید و نزد من آیید در حالی که تسلیم شده‌اید.

مقابل این معنای اسلام، کفر است. در زمان هر پیامبری از پیامبران اولوالعزم، مسلم کسی بود که به یگانگی خدا و نبوت خاصه آخرین پیامبر اولوالعزم ایمان آورد. نوحیان لازم بود بعد از اقرار به یگانگی خدا به نبوت خاصه نوح و ابراهیمیان بعد از اقرار به یگانگی خدا، به نبوت خاصه ابراهیم، و کلیمیان بعد از اقرار به یگانگی خدا، به نبوت خاصه موسی، و مسیحیان بعد از اقرار به یگانگی خدا به

۱. آل عمران (۳) آیه ۱۹.

۲. بقره (۲) آیه ۱۳۲.

۳. نمل (۲۷) آیه ۳۱.

نقش اخلاق در تبلیغ دین

نبوت خاصه عیسی و محمدیان بعد از اقرار به یگانگی خدا، به نبوت خاصه پیامبر آخرالزمان شهادت دهند و به آن باور داشته باشند.

همه کسانی که نبوت خاصه انبیاء اولوالعزم را پذیرفته‌اند، مسلمند. آن‌که بعضی را پذیرفته و بعضی را نپذیرفت است، مسلم نیست. یهودیانی که عیسی را نپذیرفته‌اند، کافرند. مسیحیان و یهودیانی که حضرت محمد ﷺ را به نبوت ختمیه نپذیرفته‌اند، کافرند. اگر مسلمانی درباره نبوت نوح یا ابراهیم یا موسی یا عیسی

-انگونه که قرآن معرفی کرده است- تشکیک کنند، در واقع کافر است. مسلمان کسی است که به همه کتب آسمانی و فرشتگان و پیامبران خدا معتقد و مؤمن باشد:

أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ^(۱)

پیامبر و مؤمنان به آنچه از جانب پروردگارشان نازل شده است، ایمان آورده‌اند. همگی به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبران خدا ایمان آورده و گفته‌اند: میان پیامبران‌ش فرق نمی‌گذاریم. پروردگارا، شنیدیم و اسباب آمرزش تو را اطاعت کردیم و بازگشت ما به سوی توست. معنای دیگر اسلام، معنای خاص است. به

تبلیغ یعنی رسانیدن پیام به مردم. در اینجا مقصود رساندن پیام دین است.

مبلغ دین اسلام نمی‌خواهد هرگونه دین و آیینی را تبلیغ کند؛ بلکه او می‌خواهد پیام خدا را به مردم برساند. در درجه اول، شخص پیامبر اکرم ﷺ مبلغ بود و آنچه به او وحی شده بود - اعم از این که وحی قرآنی باشد یا غیر قرآنی - به مردم ابلاغ می‌کرد.

۱. بقره (۲) آیه ۲۸۵.

این معنای خاص، تنها پیروان حضرت محمد ﷺ مسلم شمرده می شوند. این نام را پیشاپیش خدای متعال به آنها داده است:

...مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ سَمَّاكُمْ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ.....^(۱).

... پیروکیش پدرتان ابراهیم باشید. خدای متعال در کتب پیشین و در این قرآن شما را

مسلم نامیده است....

امروز به جز پیروان اسلام - که به خاطر اقرار و اعتقاد به یگانگی خدا و نبوت خاصه پیامبر خاتم و نبوت عامه پیامبران گذشته، مسلم شمرده می شوند - همه پیروان ادیان گذشته و انبیاء سلف، کافرند. هرچند بتوان به کلیمیان و مسیحیان که به مقتضای آیین خود عمل می کنند و نسبت به دین حق، جاهل قاصرند، مسلم - به معنای اعم - اطلاق کرد.

این را هم بدانیم که نسبت میان اسلام - به معنای خاص - و ایمان، عموم و خصوص مطلق است. یعنی: هر مؤمنی مسلم است، ولی لازم نیست که هر مسلمی مؤمن باشد؛ چرا که اسلام به اقرار به شهادتین محقق می شود و فایده آن، طهارت بدن و ارث بردن از مسلمان و تناکح و محترم بودن خون انسان است؛ بدون این که شخصی که اقرار به شهادتین کرده، مستحق پاداش اخروی باشد؛ ولی ایمان، هم فایده دنیوی دارد و هم فایده اخروی. یعنی شخص مؤمن، مستحق پاداش اعمال است.

در یک کلمه می توان گفت: مسلم مؤمن کسی است که علاوه بر اقرار به شهادتین، اهل ولایت هم باشد. یعنی امامت و ولایت جانشینان معصوم پیامبر خدا را تصدیق کند و قول و فعل و تقریر آنها را حجت بداند.

۱. حج (۲۲) آیه ۷۸.

نقش اخلاق در تبلیغ دین

در روایات ما آمده است که اسلام - یعنی اسلام به معنای اخص که تنها مسلمانانی را شامل می‌شود که معتقد به امامت و اهل ولایت باشند - بر پنج رکن استوار است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت.

سپس توضیح داده شده است که هیچ ندائی از نداها به‌سان ندای ولایت نیست. ولایت، مفتاح سایر اعمال است و اگر کسی روزها روزه بگیرد و شبها عبادت کند و مالش را صدقه دهد و همه‌ساله حج به جای آورد، ولی ولایت را نشناسد و اعمالش به راهنمایی او نباشد، از اهل ایمان نیست و از پاداش محروم است^(۱).

به همین ملاحظه است که کفر هم بر سه معنای عام و خاص و اخص، اطلاق می‌شود. کفر به معنای عام در برابر اسلام به معنای عام و کفر به معنای خاص در برابر اسلام خاص و کفر به معنای اخص، در برابر اسلام به معنای اخص یعنی در برابر ایمان است. همه

پس از پیامبر، نقش مهم تبلیغ را باید پیروان راستین او بر عهده بگیرند. اینان باید پیام کتاب و سنت را به مردم ابلاغ کنند. این نقش حساس را امامان معصوم بر عهده گرفتند و در حقیقت، مصداق آیه زیر بودند: الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ... آنان که پیام‌های خدای را تبلیغ می‌کنند و از او می‌ترسند و از هیچ‌کس جز خدا نمی‌ترسند... آنها ادامه‌دهنده راه انبیاء بودند و «بلاغ مبین» را به خوبی ایفاء کردند. تبلیغ رسالت، یکی از سنّت‌های الهی است که انبیاء و ائمه، آن را استمرار بخشیدند. از آن پس نوبت پیروان آنهاست که راه آنها را ادامه دهند.

۱. لو أن رجلاً قامَ ليلته و صامَ نهاره و تصدَّقَ بجميع ماله و حجَّ جميعَ دهره و لم يعرفَ ولا يَنةَ وليَّ اللّهِ فيواليه و يكوُنُ جميعُ أعماله بدلالته إليه ما كان له على اللّهِ حقٌّ في ثوابه و لا كان من هل الإيمان (محدث قمی، سفينة البحار، ج ۲، ص ۶۹۱).

مسلمانان جهان به لحاظ طهارت، ارث، حرمت جان، مال و ناموس یکسانند و شکستن حریم آنها به هر عنوانی باشد، خلاف کتاب و سنت است، ولی مسلمانان مؤمن به امامت و ولایت علاوه بر مزایای مادی و دنیوی، از مزایای معنوی و اخروی اسلام نیز برخوردارند.

۳. تبلیغ

تبلیغ یعنی رسانیدن پیام به مردم. در اینجا مقصود رساندن پیام دین است. مبلغ دین اسلام نمی خواهد هرگونه دین و آیینی را تبلیغ کند؛ بلکه او می خواهد پیام خدا را به مردم برساند.

در درجه اول، شخص پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مبلغ بود و آنچه به او وحی شده بود - اعم از این که وحی قرآنی باشد یا غیر قرآنی - به مردم ابلاغ می کرد.

خدای متعال به او فرمود:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ^(۱).

ای پیامبر، آنچه به تو از جانب پروردگارت نازل شده، تبلیغ کن و اگر چنین نکنی، رسالت خدای را تبلیغ نکرده ای و خدای متعال تو را از شر مردم حفظ می کند. خدای متعال، کافران را هدایت نمی کند.

خدای متعال در برخی از آیات تصریح کرده است که کار رسول، منحصر در بلاغ و ابلاغ است. یک جا می گوید:

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ

۱. مائده (۵) آیه ۶۷.

نقش اخلاق در تبلیغ دین

المُؤْمِنِينَ (۱).

خدا و رسول را اطاعت کنید. اگر روی گردان شوید، تنها بر پیامبر ما پیام رسانی آشکار است.

در جای دیگر می گوید:

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَ عَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَ إِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۲).

بگو: خدا و رسول را اطاعت کنید و اگر روی گردان شوید، تکلیف او بر عهده خودش و تکلیف شما بر عهده شماست و اگر اطاعتش کنید، هدایت می شوید و بر پیامبر، جز پیام رسانی آشکار نیست.

پس از پیامبر، نقش مهم تبلیغ را باید پیروان راستین او بر عهده بگیرند.

اینان باید پیام کتاب و سنت را به مردم ابلاغ کنند. این نقش حساس را امامان معصوم بر عهده گرفتند و در حقیقت، مصداق آیه زیر بودند:

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ... (۳).

آنان که پیام های خدای را تبلیغ می کنند و از او می ترسند و از هیچ کس جز خدا نمی ترسند....

آنها ادامه دهنده راه انبیاء بودند و «بلاغ مبین» را به خوبی ایفاء کردند. تبلیغ رسالت، یکی از سنن های الهی است که انبیاء و ائمه، آن را استمرار بخشیدند (۴). از آن پس نوبت پیروان آنهاست که راه آنها را ادامه دهند.

۲. نور (۲۴) آیه ۵۴.

۱. تغابن (۶۴) آیه ۱۲.

۳. احزاب (۳۳) آیه ۳۹.

۴. «...سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلُ...» (همان، آیه ۳۸).